

شماره ۱۲۷
روزانه

شنبه
۱۷ فروردین ماه ۱۳۲۲

نیروز سوم

ارگان حزب زحمتگشان ملت ایران

خلیل ملکی

برخور و عیاد و آرا این نیروی سوم حزب تو

-۶-

نیروی سوم

در مقابل دو پایگاه اجتماعی امپریالیسم

فصل دوم

درص ۴

همه مردم منتظر حوادث جدیدی هستند که تیل از تعطیلات عید و پس از واقعه نیم اسفند مقدمات آن چیده شده است، مسئله ای که مناقین آن را بار دیگر بتوانند مورد وقایع آئینه انتخاب کرده اند گزارش هیئت هشت نفری میباشد. اخبار زیادی مبنی بر ترتیب مقدمات یک توطئه خوبین دیگری می رسد؛ همان عناصری که هشت نفری توطئه های قبلی را تشکیل می دادند، این بار هم خود را برای شرکت در حادثه تازه تری حاضر می کنند و بهیچال خود در تعطیلات عید حداکثر استفاده را برای جمع آوری افراد و تنظیم صفوف خود نموده اند.

مردم وطن پرست این بار بیدارتر از اذهای قبل از اهمیت خود را برای مقابله با این توطئه آماده کرده اند. جامعه علمیه طهران و جامعه بازرگانان و اصناف و پیشه‌وران و تمام دستجات ملی و احزاب طرفدار نهضت در بیانیه‌هایی که در روزهای این روزنامه بیجا رسیده است جداینداری خود را از دکتر مصدق اعلام داشته اند و مصراحتاً کرده اند که گزارش هیئت هشت نفری در مجلس مطرح شده و تصویب نمایندگان برسد. این اعلامیه نشان میدهد که عموم دستجات ملی در صفوف واحدی برای مقابله بقیه در صحنه ۲

پادی از صادق هدایت

دو سال پیش در یک چنین روزی صادق هدایت بزندگی دردناک خود در پاریس خاتمه داد؛ نمونه یک انسان رنج‌دیده و مضطرب عصر ما بود؛ او بهیچ طریقی بازندگی بیازد؛ گناه او این بود که خوب می فهمید و در این فهم او دلال بازی و زود بند تجارتنی و بازاری وجود نداشت؛ فهم او برای این بود که با یک مشرب فلسفی مخصوص بشود، مشرب فلسفی که مغایر اصول ازمشرف مشرق و سرگردانی انسانهای از خاکسترو خون بیرون آمده منرب را دردم داشت؛ دنیا و بزندگی و بروابط انسانها نگاه بقیه در صحنه ۳



پیام امروز دکتر مصدق در جریانات مجلس تأثیر خواهد کرد. نطق آقای دکتر مصدق حاوی چه نگاشتی است - افسران را علیه نخست وزیر تحریر می‌کنند - ملاقات سادچیکف با دکتر مصدق مهم تلقی شده است - دکتر شایگان تحت عمل جراحی قرار نخواهد گرفت اصناف و بازرگانان تهدید شده اند - شرکت‌های خارجی برای خریدت نمایند فرستاده اند - خوری از بهیمان و خلاصه اخبار مهم کشور و یک عمل پیشتازانه در نیاوران



«شاهها» فریاد می‌زنند که پای ما را هم نعل بزیند! - اگر اجازه خودمان را دست «شاه» بدهیم، باید قانون اساسی را به خرطوم فیمل آویزان کنیم رهبر حزب «شاه» در روز چه می‌گفت و امروز چه می‌گوید - «داد» گله‌مند است که چرا در ظرفی دو سال اخیر کارخانه هواپیما سازی نساخته‌ایم؟ سرگچه چه نمایان و دفاع علیه عمیدی نوری از کپسانی سابق ...

برخاسته اند نشان آجر میشود دست و پایشان به نور می‌افتد
«شتر» را بر دلد نعل بزیند،
«پشه» پای خود را بلند کرد.
.....
ملک، مرد آسیا با چه پای خواب آلود ب کرده، دو بار داشته، دو تا دیگر هم قرش کرده و با عجله بیان «کود» دویده است. تا در زور آزمائی مخالفین و منافقین با دکتر مصدق، نقش هم با او گذار شود و در این موقع که شترها را برای نعل زدن به نعلبندی می‌کشند «مرد آسیا» هانیز اظهار وجودی کرده باشد!
«آمرادولت» برای تصویب گزارش هیئت هشت نفری در مجلس در کلیه معادل با نفرت و از جار و جملات شمه و آنرا نومی تجاوز بقانون اساسی تلقی کرده است.

بیش از آنکه با مرد آسیا سلام و علیکی کنیم و از این روزنامه که بدینال شاهد، سراسیمه و وحشت زده از خواب غوش بباری بیدار شده است، حال و احوالی بیرسیم، در یکی از روزنامه‌های جدید هفتگی، این

اخبار آبادان

چند روز پیش از طرف همدای اوباش و اراذل خانه آقای آزادی بازرگانان شدند مبارزه که هیئت در مبارزات نهضت ملی پیشقدم بوده است مورد حمله قرار گرفت. تجیب در اینست که این حمله در روز روشن صورت گرفت و مقداری اشیاء خانه آزادی نیز سرقت برده شد.
ما از فرماندار نظامی و شهرداری می خواهیم جدا از این نظامی و ناامنی جلوگیری کنند مخصوصاً می‌خواهیم که در این مورد تعقیب کامل بشود و اگر دست‌هایی برای آزاد مبارزان نهضت ملی مشغول کار است آنرا قطع کنند.
جناب آقای دیوشلی فرمان شکت اصحاب کارگران خرافت‌سازان و هالوس آبادان تشریف فرما شده اند. جناب ایشان جلسه‌ای هم با بعضی هاتشکیل داده‌ولی گویا شکت کامل رفته اند ما بار دیگر بدشمنان نهضت ملی و وطنه پیکر اعتراض می‌کنیم که زحمتگشان آبادان آن دست «رهبر کل» نمی‌شوند که تازه خود «رهبر کل» آنی در دست دشمنان نهضت ملی است بقیه در صحنه ۳

جریانات پارلمانی

پیام آقای دکتر مصدق در جریانات مجلس تأثیر خواهد داشت
دو روز در مجلس جلسه خصوصی تشکیل گردید در این جلسه مکی گزارش کار هیئت سه نفری را داد مکی پس از آن جلسه خصوصی بسرا آمد و اظهارات خود را در جلسه به تفصیل برای خبرنگاران دیکته کرد. مکی گفت آقای نهضت و وزیر بقیه در صحنه ۲

ترجمه از مجله سیامت جهانی

روسیه و فنلاند
یک نمونه از روابط یک قدرت بزرگ با یک ملت کوچک

قرارداد دولتی فنلاند و خوردی بلافاصله بعد از وقایع نوری ۱۹۴۸ چک اسلواکی و پس از اینکه هر گونه امیدها از کشور های اسکاندیناوی نسبت با تخاذ سیاست صلح جوانیه روسیه بعد از جنگ از بین برد از طرف استالین به پاسکیوی پیشنهاد شد. این پیشنهاد در آوریل ۱۹۴۸ با صود و پنجاه هفت رای در برابر پانزده رای از طرف پارلمان فنلاند پذیرفته شد.
فنلاندیها کاملاً با این امر آگاه بودند که بپذیرفتن این پیشنهاد بهمان اندازه برای آنها خطرناک است که قبول کردن آن‌ولنی سعی زیادی کرده که در این قرار داد هیچ گونه تهدیدی که آنها را در صورت بروز اختلافی بین قدرت های بزرگ مجبور به دخالت بفتح خوردی بنساید قبول نشاند بهیچ جهت بود که بلافاصله پس از امضای پیمان دوستی و پاسکیوی رئیس جمهور فنلاند اعلان کرد که در مقدمه این پیمان به تبادل ملت فنلاند مبنی بر عدم دخالت در اختلافاتی که احتمالاً بین دولت های بزرگ بروز می‌کند احترام گذاشته شده است و از این جهت پیمان فنلاند و روسیه با پیمان بقیه در صحنه ۳

سئوال از روزنامه های شهباز و بسوی آینده

اداره محترم روزنامه های شهباز و بسوی آینده (بانک مردم) رونوشت با دانه روز نامه های نیروی سوم و باختر امروز و وجهه آزادی خواشنند است. سئوال ذیل با کمال جهمت و از خود گذشتگی پاسخ صریح دهید.
آیا در زنده ای سیاسی «کشورهای سوسیالیستی سابق و بقیه در صحنه ۳

عبد الحسین رهبری آبادان

درد و بیخلاق زحمتگش آبادان
زحمتگشان آبادان تا سرانجام پیروزی هوادار دکتر مصدقند. با گذشت سال ۱۳۳۱ و شروع بهار ۱۳۳۲ یکسال دیگر از صبر مبارزه سر اسراف و در رخشان طبقه زحمتکش آبادان و همه برولتاریای خوزستان گذشت یکسال دیگر پرمدت میر جهاد آشتی ناپذیر کارگران و زحمتگشان آبادان علیه امپریالیسم فریوت اشکلیس اشاره شد. یکسال دیگر کارگر رنج‌دیده آبادانی دوش بدوش ملت شکست ناپذیر ایران، با همه مشکلات و رنجی که در صحنه زندگیش عرض از امپی کند چون کوه رو سیله بوی باک. مقاومت کرد. با آن حالی ساخت و مبارزه را ادامه بقیه در صحنه ۳

مردم ایران! مداحان حکومت رضاخانی و منافقین «شاه پرست» را بشناسید

زیر لژ زاده - آقایان میدانند که مشروطیت ما تاکنون باروش دیکتاتوری اداره میشده. ۲۰ سال مجلس اسرارش می‌آوردند. میر اشرافی - آن وضع بهتر از حالا بود دکتر بقائی - ما اجازه نخواهیم داد شاه برود... ما اجازه نخواهیم داد گزارش هشت نفری مطرح شود.
نقل از مذاکرات جلسه خصوصی در روز مجلس مردم! منافقین امروزی که تا دیروز با اعتبار نامه میر اشرافی‌ها در مجلس مخالفت میکردند، اکنون بی هیچ پروا، علناً با عنصری که حکومت بیست ساله رضاخانی را بیکدمتد کتر مصدق ترجیح میدهند همدا شده اند و با طرح گزارش هشت نفری در مجلس مخالفت میکنند. ایست سرانجام جدا شدن از توده‌ها ...
مرکز مداحان حکومت دیکتاتوری - مرکز جاسوسان منافق

قابل توجه جناب آقای وزیر فرهنگ

خزبما برای اینکه مشکلتانی برای دولت ایجاد نشود خیلی درباره وزارت فرهنگ عمل کرده است وقتاً ما اشکالات وزارت خانه‌ها را در روزنامه منکسی می‌سازیم می‌گویند اولیاً بگویند که رفع مشکل را بکنیم متأسفانه در عمل دستگاه فرهنگی ما مشکلات توده‌ای هزار آسانی بر طرف میکنند ولی چون میلیون نسبت بدستگاه های دولتی تراکتی نشان میدهند توجه نشود فرهنگ شهرستانها متأسفانه توجه با اوضاع ندارد و نتیجه آن علا این میشود که میلیون در همه جا تضییع و توده‌ایا تقویت می‌شوند.
اولیاً به مستخف فرهنگ تصور میکنند که اخلاک‌گران را با میلیون باید دردو کف ترار دهند و تضییع‌های خرد را می‌گردند مثلاً در خرم آباد دانش آموزان ملی را فقط بجرم ملی بودن و تسلیم نشدن در مقابل اخلاک‌گران از امتحان محروم میکنند و منتی گران بار آنها میکنند که هنوز آنها را از تحصیل محروم نگه‌دارند در صورتیکه وزارت فرهنگ توجه لازم و کافی میدول ندارد ما جدا خرابی های فرهنگ را در عرض انکار عمومی و جناب آقای دکتر مصدق قرار خواهیم داد

صاحب کاخ خدایسندانانه با احساسات شدید مردم شیراز روپوش شد!

طبق اطلاعی که مغرباً از شیراز میدهد آقای شمس‌الدین قنات آبادی به منظور تبلیغ سوء علیه دکتر مصدق از طرف منافقین به شیراز اعزام و با کمک سید نورالدین معلوم الحال ۱۱ عده را برای استماع سخنرانی ایشان جمع آوری کردند در این سخنرانی عده ای دیگر از طبقات مختلف که از نیت سوء این بلندگوی منافقین بیخبر بودند شرکت کرده قنات آبادی به تقلید از نطق های سابق خودشان که در درام نهضت ملی میکردند دست‌ها را بلند و پاهای میکردند و داد سخن بر علیه دکتر مصدق داده هنوز دقیقه از صحبت نگذشته بود که با یک نارنجی که بر فراز ایشان کوفته اولین ابراز احساسات شروع شد سپس فریاد مرک بر مخالفین و منافقین بلند و شمار مرده باد شمس قنات آبادی در فضا طنین انداز و از همه طرف بطرف ایشان حمله ور شده بدین وسیله نوازش خدایسندانانه ای ۱۱ به سخن گوی منافقین و مخالفین دادند و با لباسی پاره به کمک مردم شیراز روپوش شد!

توضیح - مطالب زیر بدون اظهار نظر از جانب حزب و روزنامه درج می‌شود و در صورت احتیاج در پایان آن نظریه ما درج خواهد کرد

تحوالات فکری یک توده ای متعصب

یک پیششهان بگمیته مرکزی حزب توده ایران
اولاد مسئله جنگ و عمل مربوط به ایجاد آن جز عامل اقتصاد دیگری نیز تأثیر دارند (در مورد هر جنگی عوامل مؤثر آن قابل مطالعه است). تا آنجا که طایفه بورژوازی از افکار و احساسات ملی سوا استفاده کرده توده مردم را بجنک بکشاند آیا این موضوع دلیل بر آن است که ناسیونالیست‌ها با افراد میهن پرست، خان هستند؟ آیا افکار و احساسات ناسیونالیستی را طبقه بورژوازی ایجاد کرده است؟ بقیه در صحنه ۲

استعفا از حزب توده - آبادان

اداره محترم روزنامه نیروی سوم اینچنان که مدت سال از بهترین ایام زندگی خود را برای رسیدن به هدف مقدس سوسیالیسم جان فشانی نموده چه بسا که بزندان رفتن و محرومیت‌ها کشیده‌ایم اینک که سرسپردگی رهبران آن حزب منقول بقیه در صحنه ۳



This object has been digitised and made available by The University of Manchester Library.

For further information and details about terms of use, see the Library's website -

<http://www.library.manchester.ac.uk/search-resources/manchester-digital-collections/digitisation-services/copyright-and-licensing>

قابل توجه کاربران مجازی :

این سند توسط کتابخانه دانشگاه منچستر دیجیتال سازی و عرضه شده.

برای اطلاع بیشتر درباره شرایط استفاده از این منبع الکترونیک, لطفاً به لینک زیر مراجعه فرمایید:

<http://www.library.manchester.ac.uk/search-resources/manchester-digital-collections/digitisation-services/copyright-and-licensing>

بر اساس این مقررات, هر نو استفاده از این سند باید با ارجاع مناسبی به کتابخانه دانشگاه منچستر انجام بگیرد.

اخبار

پایه از صفحه ۱
اظهار داشته اند برای دفع اختلافات باید کسی وزیر دربار باشد که مورد اطمینان ملت باشد...

درباره عصر یک نماینده عضو فراکسیون نهضت ملی دربار اینک به بالاخره وضع مجلس چگونه خواهد بود...

ساعت دو و نیم بعد از ظهر امروز دکتر مصدق از رادیو پیامی به ملت ایران میفرستند...

آقای دکتر مصدق راجع به وظایف حکومت و سلطنت طبق قانون اساسی بحث خواهند کرد...

السران را علیه مصدق تحریر میکنند
برای اطلاع صحیح همه از افسران بازنشسته و پادوی دیگری که با ارتش ارتباط دارند...

ملاقات با دکتر مصدق مهم تلقی شده است
طهر در روز سه شنبه صبح کبیر شوروی با آقای دکتر مصدق ملاقات کرد...

آخرین خبر از توطئه‌هایی که بر علیه دولت چیده میشود
بطوریکه مفسر ما کسب اطلاع نموده فراتر است امروز افراد حزب جدید الولاده (ملکه اعتراضی) در خیابانها راه افتاده...

اصناف و بازرگانان تهدید شده‌اند
اعلامیه کوبیده ستاف و بازرگانان در پشتیبانی از دکتر مصدق و تقاضای تصویب گذارش ۸ نفری که متجاوز از هزار امضا از بازرگانان و اصناف سرشناس...

دکتر شایگان تحت عمل جراحی قرار نخواهد گرفت
برای ریه که از مویخ اطلاع رسیده است پزشکان صلاح آقای دکتر شایگان روز دوشنبه هفته گذشته پس از معاینه دقیق آقای دکتر شایگان اظهار داشتند...

شرکت‌های خارجی برای خرید نفت نماینده فرستاده‌اند
پس از صدور رای دادگاه و نیز چند کبیانی بزرگ اروپایی نماینده برای خرید نفت بهران اعلام داده‌اند...

بهبهان
از بهبهان خبر میرسد در روز سیزده که همه مردم به بیرون شهر رفتند بودند همه کمی بیه که سن آنها بین ۸ الی ۱۶ سال بوده است...

عمل پیشخانانه
روز سیزده فروردین عده‌ای از پیشخانان برای گلراندن سیزده به تهر و رحمان آباد نیاروان میروند...

فیروزی سوم

جامعه علمیه و جامعه بازرگانان

بقیه از صفحه ۱
بهر پیش آمده آماده شده‌اند این بار صفوف مبارزین نهضت ملی از هر بار متشکل تر و متراکمتر است...

مفتضغانه ترا سابق از میدان مبارزه ملت خواهند گرفت
ترتیبی نیز توانسته‌اند نهضت ملی را بنفع خود منحرف کنند...

پیروزی با ملت ایران و نماینده صدیق و فدائکار او دکتر محمد مصدق است
مسلّم است که جواب این سوالات منفی است بلکه افکار و احساسات ناسیونالیستی در همه مردم وجود دارد...

تحولات فکری یک نوده‌ای منتصب

بقیه از صفحه ۱
مسلّم است که جواب این سوالات منفی است بلکه افکار و احساسات ناسیونالیستی در همه مردم وجود دارد...

فقط بورژواها ناسیونالیست بودند
جهان به آنستاد رهبری کننده عقیده و ایمن داشته و مستورات رهبری جهانی را می پذیرفتند...

ایمانداز تشکیل بین الملل سوم مبارزه بین همان افراد زحمتکش و مشترک المنافع در تمام کشورهای شروع شد
در تمام کشورهای شروع شد و هفت پانزده این مبارزه بین کسانی بود که طرز تفکر وسیع داشته...

اینهاست که انقلاب در هدف قرارداد از تمام امکانات برای ایجاد آن استفاده میکنند
آنهاست که روحیه و طرز تفکر دیگری داشتند...

اینهاست که با سیاستهای ما همخوانی ندارند
اینهاست که با سیاستهای ما همخوانی ندارند و در مقابل ما ایستادند...

اینهاست که با سیاستهای ما همخوانی ندارند
اینهاست که با سیاستهای ما همخوانی ندارند و در مقابل ما ایستادند...

اینهاست که با سیاستهای ما همخوانی ندارند
اینهاست که با سیاستهای ما همخوانی ندارند و در مقابل ما ایستادند...

اینهاست که با سیاستهای ما همخوانی ندارند
اینهاست که با سیاستهای ما همخوانی ندارند و در مقابل ما ایستادند...

اینهاست که با سیاستهای ما همخوانی ندارند
اینهاست که با سیاستهای ما همخوانی ندارند و در مقابل ما ایستادند...

اینهاست که با سیاستهای ما همخوانی ندارند
اینهاست که با سیاستهای ما همخوانی ندارند و در مقابل ما ایستادند...

گندو کاو روزنامه‌ها

بقیه از صفحه ۱
به تائید گزارش هیئت رفیع اختلاف نیست اینها را هم «مرد آسیا» نوشته که خودش را طرفدار پرو باقرس قانون اساسی جا میزند...

دولت دکتر مصدق از بدو زمانه‌های خودداری اصول خلط یک مبارزه با انتهای (یعنی مبارزه با استعمار بین المللی) را شروع و به پیوسته جواب کار را رعایت ننموده...

شکوه و شکایت «مرد آسیا» از اینست که چرا مبارزه دکتر مصدق با استعمارگران بین المللی «انتباه» ندارد و «بی انتباه» است...

توجه باین «حقیقت» در مقاله‌ای که درباره دستگیری خودش نوشته است «مرد ایران» یعنی مردمی را که بول عبدالقدیر آزاد را هاری از اشق وطن و فرور نصوت ملی هستند...

مهمدا ، آقای مدیر مرد آسیا بدون توجه باین «حقیقت» در مقاله‌ای که درباره دستگیری خودش نوشته است «مرد ایران» یعنی مردمی را که بول عبدالقدیر آزاد را هاری از اشق وطن و فرور نصوت ملی هستند...

توجه باین «حقیقت» در مقاله‌ای که درباره دستگیری خودش نوشته است «مرد ایران» یعنی مردمی را که بول عبدالقدیر آزاد را هاری از اشق وطن و فرور نصوت ملی هستند...

توجه باین «حقیقت» در مقاله‌ای که درباره دستگیری خودش نوشته است «مرد ایران» یعنی مردمی را که بول عبدالقدیر آزاد را هاری از اشق وطن و فرور نصوت ملی هستند...

توجه باین «حقیقت» در مقاله‌ای که درباره دستگیری خودش نوشته است «مرد ایران» یعنی مردمی را که بول عبدالقدیر آزاد را هاری از اشق وطن و فرور نصوت ملی هستند...

توجه باین «حقیقت» در مقاله‌ای که درباره دستگیری خودش نوشته است «مرد ایران» یعنی مردمی را که بول عبدالقدیر آزاد را هاری از اشق وطن و فرور نصوت ملی هستند...

توجه باین «حقیقت» در مقاله‌ای که درباره دستگیری خودش نوشته است «مرد ایران» یعنی مردمی را که بول عبدالقدیر آزاد را هاری از اشق وطن و فرور نصوت ملی هستند...

توجه باین «حقیقت» در مقاله‌ای که درباره دستگیری خودش نوشته است «مرد ایران» یعنی مردمی را که بول عبدالقدیر آزاد را هاری از اشق وطن و فرور نصوت ملی هستند...

توجه باین «حقیقت» در مقاله‌ای که درباره دستگیری خودش نوشته است «مرد ایران» یعنی مردمی را که بول عبدالقدیر آزاد را هاری از اشق وطن و فرور نصوت ملی هستند...

توجه باین «حقیقت» در مقاله‌ای که درباره دستگیری خودش نوشته است «مرد ایران» یعنی مردمی را که بول عبدالقدیر آزاد را هاری از اشق وطن و فرور نصوت ملی هستند...

توجه باین «حقیقت» در مقاله‌ای که درباره دستگیری خودش نوشته است «مرد ایران» یعنی مردمی را که بول عبدالقدیر آزاد را هاری از اشق وطن و فرور نصوت ملی هستند...

نیروی سوم در مقابل دو پایگاه

په ایتمه ۱

شاهزاده کامبخش گزارش را عوض کند بشهر بانی داد،

مینیک در زندان، در زمان رضاشاه

شاهزاده کامبخش میرزا را فقط چند نفر از اعضاء سازمان ۳ لهر با اسم و رسم طینی و چند نفر دیگر با اسم استعاری اومیتاختند. کامبخش برای من پنهان سربری سرور بود و همتای آن روز برای تشکیل حوزة دولتی بنزل من میآمد یکی از روزهای هفتگی صبح کامبخش گرفتار میشود روزی که من میبود که گزارشی تهیه کند، عصر آن روز گزارش کامبخش در دهبر بانی حاضر میشود و نزدی



احسان طبری «آبدیده» ترین
اخلاقی که بیچون و چسرا
اعتراقات از روی ضعف کرد
و در ضمن تسلیم شدن بلاخرط
در زندان و در خارج از آن
بهر جربانی «آبدیده» شد

آن روز دولت بیشتر افراد ۳ لهر بوجوب معرفی کامبخش گرفتار میشود، زمانیکه بخلاف انتظار کامبخش محاکمه ۳ لهر بجرین میماند، بنا بقاضای جنی افراد ۳ لهر، بنامشود پرونده دکتر ارانی و کامبخش را تماما در حضور همه بپرونده، زیرا پرونده این دو نفر با پرونده همه تماس داشته است، پرونده دکتر ارانی حکایت از خرافات و هجومات اومیکرد، او بدون اینکه از خودش زیاد دفاع کند، از جوانانی دفاع کرده بود که در نتیجه تماس با او اعتراضات کامبخش گرفتار شده بودند، گزارش کامبخش بشهر بانی رساله ای بود که درست مانند گزارش دبیر حزب به کنگره حزبی بود مسئله تشکیلات و تبلیغات و تمهیلات و امور مالی هر کدام در فصل مخصوص خود با جریات تشریح شده بود و بکفصل بزرگ با کبکشتن و سایر مراز که تدوین گردیده بود این مختصر اخلاقی آبدیده این ابده کی را در دست و چشمانه زندان قبل بست آورده بودم در باره این مختصر اخلاقی دو آتش «که رساله اخیر حزب توده سیاهی زیبا و هجما نه اشغال او را در مقابل «سیاهی» آری و جیون و دوازدهم لوزی و خلیل ملکی ها قرار داده اند، بیشتر از این بشی نیکنم، زیرا شاهزاده کامبخش بکنش مختصر اخلاقی «آبدیده» اول که معرفی کردم، از سوی سالیس وصحت و سقم آن اصلا خبری نداشت، و بکفصمکنده سیاست قدرت است، اوسیاست قدرت هوروی را بطور نهائی قبول کرده و بیچق قیشی از آن دست نیکنند. اشتباه و ضعف و باخیانتی را که در زندان مرتکب شده بود الحق سعی کرد جبران کند و پس از راهائی از قید زندان بشوروی رفت و تمام مردمی که او را میشناختند صدای او را ازادیو با کور فیره میشنیدند، او از مصارم گردید و برگشت و همیشه نسبت بدستگاه و نادار مانه و خواهشنامه .

برای اینکه شاهد و مثالی از جمله دهها و بیشتر نمونه های جالب توجه از رهبران اخلاقی و آبدیده، حزب توده نشان دهم، خاطره ای را شرح میدهم که در همین حال بکفصتی و محتوی اجتماعی ببرداد
زندانیان سیاسی و دزدان بزرگ اجتماعی، باضانه اکثریت بزرگ ۳ لهر در فدرلکه زندان موقت در اطراف تپه نینتخابوب زندکی می کردند؛ در یکی از اطراف ای افراد ۳ لهر پاسایی بنسبست اخلاقی که میخواست بکنند مورد توهین قرار می گیرد، بک مجازات انضباطی برای افراد اطاق تعیین میشود، آنها باطابق ما رجوع میکنند که سران قوم آتجاصبح بودند و استبداد میکنند، نظق های انقلابی و تقاضای اخلاقی تر باید از ویسی و اولیای زندان حمل آید. من که تجریات تلفی از این آقایان اخلاقیون در حرف و مصافحه کاران در صل دافتم، جرات کردم و گفتم که چشم من از این آتش نشانیهای اخلاقی شما آبی نشوروه و این قاضای جنی را مانی توایم آیش بیریم؛ ولی اخلاقیون در حرف مرا تحمله کردند و تصمیاتی گرفتند. من برای اتمام حجت آقای حکمی و چند نفر از افراد محکم و مورد احترام را باطابق دعوت کردم، و در حضور آنها از یک یک افراد موجود قول گرفتم که در نتیجه این اقدام، هر مجازاتی که متوجه کسی شد دیگران بپر بطور زنده باید اقدام کنند و خود را در چار همان مجازات کنند که پس

الاکر فاش شدن یکی دو نفر آنها از آشیاب یافتند.

و بی سببگی زیادی لازم داشت، تقاضای ملاقات با انسر تکبیبان کردم، بالاخره نائب میرزائی نام مانند فرعون حاضر شد و معلوم گردید که باصلاح سبب خلی می برود است. بجز در همین باتوب و تشریبیدان آمد و همه را بیبازر طلیبید و گفت حال امر کسی حرفی دارد جلویاید و حرفش را بزند، چند لحظه سکوت حکمرمانی کرد انسر تکبیبان دید تیرش بیهف اصابت کرده باری دیگر باتوب و تشریبی را بیبازر طلیبید، بازم سکوت مطلقا حکمرمانی بود انقلابیون آبدیده که چند دقیقه پیش آتش نشانی میکردند بکنلی خاموش شده بودند. خلیل ملکی «جیون و دوازدهم لهر و ترسولوزی» به خود فشار میآورد که حرف نزنند کسی از اینها که آتش نشانی میکردند پیش قدم شوند و با بی آبرو گردند، دکتر بزدی حتی از جای خودش بلند نشده بود تا در زمره مهاجران تکبیرا و این افتخار را انسر تکبیبان در ضمن گزارش بدهی بریس خود برای دکتر بزدی قائل شده بود. بالاخره این سکوت جیونان و ناجوانان را من توهینی بیقام انسانی، توهین بزرگی ب زندانیان سیاسی فرض کردم در عقب استاده بودم، صرفرا اشکاتم و پیش رفتن با مصیبت ولی منطقی تقاضاها و شکایت زندانیان را گفتم و آمادگی همه را برای هر پیش آمدی بیان داشتم، انسر تکبیبان باخونسردی جواب داد اگر من امشب توراجانی فرستادم، دیگر تقاضای مرخصی از آنجا را نیکنی؛ جواب دادم من همواره تقاضای آزاد شدن از زندان را دارم که بدون جرمی زندانی شده ام؛ انسر تکبیبان آنجا از ترک کرد و انقلابیون آبدیده لب از لب تکشودند و با سبیلان باطابق وارد شدند و مرا احضار کردند و بجای که من هرگز انتظار آنجا نداشتم راهنمایی کردند.

زندان موقت شهر بانی را مستشاران سوئدی ساخته اند در آنجا سالتی برای مینواتر پیش بینی کرده اند ولی این سالن سیتا و تاتر تبدیل به کربدور گردیده است. کربدور و اتمام زندانیانی که بیبازر اشتگاه موقت واقدر پشت دو آخانه سه میروند میشناسند، کربدور یکی از آن کودالهای اجتهاست که مقام شامخ و ارزش انسانی را تابست ترین درجه انحطاط پایین میآورد، بک و بکتوره و کوی قرن بیستم لازم است که این کانون بینوایی و بینواییان، این مکان میرزا بلها و تیره بختی، این محل اجتماع زن و دالزانها و داورها را تشریح کند. لزومی ندارد میان نامه های شاهرا با بکر برد واقیت موجود در آنجا باندازه ای زشت و بست و منقطع است که نشان دادن آن واقیت حاکی از بزرگترین تراژی های تاریخ بشری است. در این سالونی که برای دو بست نفر ساخته شده نزدیک بزرگترین شبوروز، ماهها وسالها زندکی میکنند، من در کربدورهای افرادی که سلولها در طرفین آن واقع شده بودم که شبها صدای از کربدور در حین خوابیدن تحت حفاظت با نجات منقل و فردا صبح بپمان کربدور و مراجعت میکنند، از آنجا افسانه ها شنیده بودم، ولی شنیدن کی بود مانند دیدن.

اولین احساسی که در حین ورود باین کربدور نمودم این بود که در آنجا سرودست و روان و بدنهای نیمه لخت و لخت انسانی و ودل میزدند حرکت بدون تماس با این ابدان انسانی که از مقام انسانیته مدت ها ته رانده شده اند امکان پذیر نیست در این گودال تیره بختانی از جیب برهای ماهر، و دزدان و آدمکشان سابقه دار، با معصوم ترین موجودات بیگناه ولی بی پناه و پشتیبان در یکجا جمع اند. آنها تیکه معصوم وارد این کربدور میشوند اعم از جوان و پیر معصوم خارج نمیشوند. آنجا دانشگاه دزدان و جیب بران و بشت هم اندازان است. جوانان معصوم در آنجا درس میوزایی میآموزند.

بزرگترین بدبختی در این کربدور پیدا کردن جیره بخور و نیر زندان نیست، بزرگترین مآب خالی کردن شکم است، در مستراح واحدی که برای آن کربدور وجود داشت، همیشه دو صف بزرگ پشت سر هم در انتظار بودند و چند نفر در آن واحد از یک مستراح برای فضای حاجت استفاده میکردند.

وقتی که نزدیک بهر ارفر در آنجا وول میزد میتوان حدس زد که چندش در آن شرایط در آنجا وول میزند، و میتوان تصور کرد که تیفوس که در زمستان آن سالها همیشه در زندان وجود داشت و دکترا زانی هم فدای آن شد چگونه سکنه این کربدور را درو میکرد. مایشندیم که نام افراد را بنویسیم تا بمانند که دهم کربدور صدای کردند ولی جوابی از آنها شنیده نشد، آنها از در طلیب الدوله پتلی از دریکه نش هارا بیرون میبردند از زندان و از آن کربدور و زحمت زندکی مرخص شده بودند. در این کربدور شبها صدای بر روی اسفالت های کربدورهای دیگر میبزدند و بقیه مانند قوطی ساردین پهلوی هم جیره میشدند؛ اگر در اینجا همه نوع محرومیت وجود داشت، از لحاظ تماس بدنی و ترضیه احتیاجات جنسی منحرف بطور اجبار کوبا محرومیت وجود نداشت، از سوی استفاده پاسبانان و اهالی آنان نیز زندانیان فرصت بختی نیست.

میدانستم که چند پیش رییس زندان دکتر رادمنش این «اخلاقی آبدیده» حزب توده را بنویسند، بخلاف مقررات خطر نج بازی میکرد. باین کربدور فرستاده است و او مانند بک بره آرام سرور در آنجا اقامت کرده بود، من متعجب بودم چه کار کنم؛ یکی از زندانیان از سیما و لباس من مرا با بازرس دادگستری اشتباه کرد حکایت از بک زندانی دیگر پیش من آورد که بکریال او را در دیده است؛ من با صدای بلند گفتم او فقط بکریال شارا در دیده است، ولی اولیای زندان هر روز سه ریل و نیم از جیره شنا را میزدند بپوش او را آنجا بیکه مرا بنویسند بک زندانی سیاسی شناختند مردم را بسکوت دعوت کردند، مجرای بوقوع پیوسته بود و برای مدتی در آن سالون سکوت مطلق حکمرمان بود، من از تیره بختی آفتاب دزدانه ای که او خاج ناسا هد اجتنامی، آنان را با آفتاب دزدی و امیدارد، و آنهایی که بدون گناه باین گودال تیره بختی می افتند، از دزدبانی که از دزدها بصل میآید، از دزدان بزرگ و میلیونی که با چند متر فاصله در اطراف ای وسیع بالای زندان مثل هتل زندکی میکنند و از اختلاف و نفاق که اولیای زندان صدا بین آنها می اندازند بعت کردم، و بالاخره از اتحاد و اتفاتی که جیره آنها و شرایط زندکی آنها را ممکن است بهبودی بدهد و از کنگی که ملاذاتیان سیاسی برای متشکل کردن آنها میتوانیم انجام دهیم سخن رانم. پس الزام شن سخن رانی من مرا بهر گوشه و کنار کربدور دعوت میکردند هر کسی بهترین و با ارزشترین تفلو و خود را کی - و در این بین تمایز میکرد. انتظار من طول نکشید، با صدای بلند مرا از خارج کربدور احضار کردند، مردمان حق شناس و ساده و متوسط این کربدور راهی برای من باز کردند.

در یکی از اطراف ای قسمت اداری زندان میکادوی بزرگ زندان، یعنی رئیس که کتر دیده میشد وساعت نه شب از خانه خود با تلفن احضار شده بود و مدبر زندان که قصر سلطنت او در زندان قصر بود، تیر حاضر بودند، آنها با خطاب محکم و غول سرد مرا از اهمیت خطا و جرمی که مرتکب شده بودم آگاه ساختند، من نه فقط سکوت زندان، بلکه سکوت زندان بزرگ سر تاسری کشور، یعنی سکوت دوره رضاشاهی را شکسته بودم، و در آن زمان بک مهمتیک هزار قشری بقول رئیس زندان آنها هم در شب تاریک و آنهم در زندان بوجود آورده بودم و بک محاکمه صحرائی در انتظار من بود من از حقوق کم پاسبانا و ضرورت اخلاقی آنها، از زندانیان و ایجاد اخلاقی و بااراحتی صحبت کردم مدبر زندان نیز با نظر کرد که بroom این در سه اار با جوانان میبوسد که در خیال اغوی آنان بودیم، و در حضور رئیس زندان باین معقولت معادله تکتم و آتیا درس ندیم. گفتم نیتداستم شما که باهل فکر و معناله کردن مرفوقیه از درس بدتان میآید.

آتش با همه محاکمه صحرائی مرا از اطاق بیرون فرستادند، با کمال خوشوقتی دیدم ما را بطرف کربدور در آنرا ای همان کربدور معرفی که دکتر ارانی در آنجا مدتها پسر برده بود، راهنمایی کردند. پس از چند دقیقه در هلر پاسبان با دستبند و پایبند حاضر شدند و مرا به تسلیم شدن در مقابل پایبند و دستبند دعوت کردند. من اعلام کردم که با میل خود اجازه تقاضا میدم؛ آنها هم مشغول انجام وظیفه شدند، من از سلول بیرون آمدم دادور فریاد راه انداختم و زندانیان را بک دعوت کردم؛ آنها و پاسبانان پاسبان کربدور مدتی تلاز شدند و موافق نشدند، گرچه باید بگویم که یکی از پاسبانان



موفقیت و افتخار برای

مردان قوی

باشکوه ترین و پرهیجان ترین مسابقه نهائی پرورش اندام از طرف سازمان ورزشی پیشرو در سالن سینما رکسی توام با بال - موزیک - برنامه های هنری جمعه ۱۸ اردیبهشت

تقریرین سرور صبی تبر

خانمها و آقایانی که برای اجرای سرود «توایم سی تیر» نام نویسی کرده اند امروز ساعت ۵ بعد از ظهر در کلوب مرکزی خود را با آقای حسین ملک معرفی نمایند.

به بدحکاران نیروی سوم

چون آنجه که لازمه مباحث و مسامحت ببدحکاران نمایندگان شهرستانها و سایرین که روزنامه در یافت داشته اند بعل آمده علیهذا تصمیم داریم از این تاریخ بترتیب شیدانی که به لباسهای مختلف کلاهدراری میکنند از طریق روزنامه معرفی نموده و در ضمن از طریق محاکم دادگستری اقدام بوصول طلب خود نماییم اینک در در آنجا آقای ملک نماینده مطبوعاتی در اهواز و آقای حسین اله بخش کارمند وزارت فرهنگ در شاهی را بدینوسیله معرفی نموده و اسامی سایرین را بترتیب درج خواهیم کرد.

تداوم مطبوعاتی پیشرو

بقول خود بنسبست حقان و نیک جدیتی بخرج نینداد و در صورت امکان کنگی هم بین میکرد؛ انسر تکبیبان که از دادو بنیاد و مقاومت من خبردار شد در کربدور حاضر شد و به پاسبانا خطاب و خطاب کرد که من گفتم بودم در انتظار من باش؛ آنها را با دستبند و پایبند مرخص کرد و دستور داد تخت خواب و لوازم زندگی مرا بکربدور منتقل کنند. از فردای آن روز استشهادهای مجرم بودن من و تپه برنده برای محاکمه صحرائی شروع شد ولی از قرار معلوم چون پیش آمتن این واقعه ممکن بود برای اولیای زندان مستوریتی ایجاد کنند برنده تکبیل شده بالاخره با بنگانی گردید.

برای شب روزی که این حادثه اتفاق افتاده بود صدای تپه معروف دکتر پردی و بزرگ علوی را شنیدم و در پشت سر آن صدای صحبت کربدورهای اطاق خودم را در حین عبور از در بزرگ کربدور شنیدم. بکفر و رفتن زندکی عادی و معمولی آنها از سر گرفته شده بود فقط در آن جمع ن زیادی بودم که باین برتگاه محاکمه صحرائی پرت شده بودم اینته قول و قرار دهمد و بیمان شب بظان نسیان سیرده شده بود؛ و اخلاقیون دو آتش در حرف بره های مطیع در هلر گردیده بودند و این رهبران آبدیده به صافی و سادگی این «خلیل ملکی جیون و دوازدهم لوزی» تپه میزدند!

کامبخش این «اخلاقی آبدیده» گزارش مفصل حزبی را هوش تقدیم به کنگره حزبی به معنای تقدیم میکند و فردای آن روز اکثریت ۳ لهر توفیق می شوند.



اقدامات «مسالت آمیز» این «اخلاقیون آبدیده» درباره رهانشن من از زندان افرادی منتج نتیجه شد و من مدتها در نزد یکی سلول مرفود کتر ارانی فکر میکردم و راه میرتم و تصمیم میگرفتم که در خارج از زندان در سازمانی که هست مرکزی آنرا این ۳ لهر اخلاقی در حرف و مصافحه کار و ارتجاعم در هلر تشکیل دهمند حرکت تکتم و حتی پس از آنکه بک سرنگ منصوب آرتش و آقای اسدی که بنسبست واقعه خراسان در زندان بود نزدیک زندان اقداماتی کردند بپرونده با بنگانی شد و من نزدیک ای اخلاقی آبدیده خود باز گفتم حتی اطاق خود را از آنها جدا ساختم ولی رابطه زندانی سیاسی راهوار. حفظ و نگاهداری کردم، و در آینه از این تجریات تلخ بلا هم فرادان دم و بقول بزرگ علوی همواره «قرعه فال با بنام خلیل ملکی دیوانه زده میشد».

آنجه ماهه تسلیم من در این روزهای (که نه اولی و نه آخری از نوع خود بود) سپاه بود، جوانفردی بکسر پاسبان پیر و متصرف بود که علاوه بر مسامحت نهائی لازم برای خشی کردن برنده محاکمه صحرائی بن میگفت شناخت بزرگی به زندانیان سیاسی گردید دیگر میهورند که محبوس سیاسی را بکربدور بپرستند گفت شا بآن بینوایان نیز خدمتی گردید زیرا از آنشب به بند و ضح زندانیان و معصوما قسمت کربدور بهتر شد و تسهیلات دیگری فراهم شد عده ای مرخص و عده ای دیگر زندان قصر منتقل شده اند و کربدور کی قابل سکونت و تسلی گردیده است.